قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ‌و‌معارف‌رضوی
| سال اول | ویژه نامه ۱۹۹ |

موعظه/حجت‌الاسلام قرائتی
مذمت بدزبانی و فحاشی از دیدگاه قرآن و اهل بیت(ع) ۲

حجت‌الاسلام حسینی مطرح کرد
رویکرد تحولی در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی ۴

جمع کمال‌طلبی و واقع گرایی در ازدواج چگونه ممکن است؟ ۲

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی مطرح کرد
عمومی‌سازی دانش با کتاب ۴

مؤسس مرکز اسلامی آفریقای جنوبی مطرح کرد
بایسته های تبلیغ جهانی دین ۲

خادمان رضوی برای تأمین لباس گرم کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و نیازمند پیشقدم شدند

«مهر همدلی» در سرمای پاییزی

۴

علامه طباطبایی از هنر تألیف «المیزان» تا تربیت نظریه پردازان

رساندن معارف قرآن به افق «فهم معاصر»

خیلی‌ها علامه طباطبایی را با تفسیر المیزانش می‌شناسند و برخی هم از ایشان به عنوان فیلسوف یاد می‌کنند. اما یکی از پرسش‌هایی که همیشه در ذهن خیلی از ما وجود دارد این است که چرا در بحث انقلاب اسلامی حرفی درباره این شخصیت علمی و قرآنی زده نمی‌شود یا در تاریخ مبارزات علیه رژیم پهلوی، کسی از علامه طباطبایی نامی نمی‌برد. با حجت‌الاسلام احمد فربهی، استاد فلسفه حوزه و دانشگاه درباره همین پرسش‌ها و همچنین شخصیت و جایگاه علامه به گفت‌وگو نشسته‌ایم...

۲

درباره یکی از شخصیت‌های بزرگ تاریخ تشیع که در حرم رضوی مدفون است

رواق اللّٰه‌وردی‌خان، میزبان مسافری از هند

محمدحسین نیکبخت | در تاریخ شیعیان هندوستان، شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار کم نیستند؛ افرادی که احتمالاً تا به حال، نام آن‌ها را هم نشنیده‌ایم، اما تقریباً خیر و برکت فعالیت‌هایشان در همه جهان منتشر شده است. امروز می‌خواهم شما را با فردی آشنا کنم که فعالیت‌های فرهنگی او در آسیا و اروپا، منشأ اقدامات و خدمات مهم بوده است.

■ مهاراجه‌ای از «اوتارپرادش»

محمد علی محمد خان اصالتاً از اهالی منطقه «اود» در ایالت اوتارپرادش هندوستان بود؛ اجدادش حاکمان این منطقه بودند و او هم به عنوان مهاراجه این ناحیه، مدت‌ها در آن حکومت کرد. محمد خان کودکی خود را در دامان مادری پاکدامن گذراند، بانویی که تبارش به امام موسی کاظم(ع) می‌رسید. در ایام کودکی، نزد علمای نامدار شیعه شبه‌قاره به علم آموزی پرداخت؛ به خصوص زبان فارسی را که عامل اصلی انتشار اسلام در هندوستان بود، نزد مولانا ظفرمهدی فرا گرفت و در دوران جوانی، همنشین ادبا و دانشمندان مسلمان بود.

■ مرد سیاست، علم و فرهنگ

همزمان با آغاز مبارزات استقلال‌طلبانه مردم هند علیه استعمار انگلیس، محمد خان هم وارد گود فرهنگ و سیاست شد و به عضویت حزب «مسلم‌لیگ» درآمد و از شخصیت‌های تأثیرگذار هند شد. او در لکنهو که بزرگ‌ترین شهر شیعه‌نشین هندوستان محسوب می‌شود، زمین بزرگی را وقف شیعیان کرد و در آن مرکزی برای تجمع و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی ساخت. در همین شهر بود که دانشگاه «شیعه کالج» پا گرفت و محمد خان به ریاست آن منصوب شد؛ این دانشگاه در برابر دانشگاه علیگر که توسط سیداحمدخان ساخته شده بود، ایجاد گردید. دلیل ساخت شیعه کالج، مخالفت استادان شیعه با نوع اداره دانشگاه علیگر بود؛ این دانشگاه بیش از حد به انگلیسی‌ها وابستگی داشت و البته برخوردی که در آنجا با علمای شیعه صورت می‌گرفت، چندان خوب نبود. محمد خان پس از قبول ریاست شیعه‌کالج، مرکزی به نام «مدرسه الواعظین» را هم در لکنهو بنا کرد. این مدرسه، مسئولیت تربیت مبلغان مذهبی و خطبای زبردست شیعه را در هندوستان بر عهده داشت و یکی از تأثیرگذارترین مراکز مذهبی شیعیان در شبه‌قاره محسوب می‌شد. افزون بر این‌ها، وی در لکنهو انتشارات بزرگی را راه‌اندازی کرد که به «امیریه» شهرت داشت و علاوه بر کتاب‌های مورد نیاز جامعه شیعه، آثار علمی و ادبی مشهور جهان نیز در آن به چاپ می‌رسید.

■ هجرت از لکنهو

محمد خان ارادت خاصی به امام حسین(ع) داشت. مجالس عزاداری او در لکنهو، بزرگ‌ترین مجالس عزاداری در سراسر شبه‌قاره بود. وی خودش هم به مداحی و مرثیه‌سرایی می‌پرداخت و به شدت گریه می‌کرد. در جریان استقلال پاکستان، محمد خان جانب محمدعلی جناح را گرفت؛ پاکستان از شبه‌قاره جدا شد و همین مسئله، خشم مقامات دهلی را برانگیخت و تصمیم به مصادره اموال محمد خان گرفتند. او در این زمان، به عراق رفته و مدتی را مجاور حرم امیرالمؤمنین(ع) شده بود. با این حال، با تلاش دوستان محمد خان در هندوستان، جلو این اقدام گرفته شد؛ هر چند که هندوهای افراطی، لحظه‌ای از فکر مصادره اموال و موقوفات وی بیرون نمی‌آمدند و دست آخر، در جریان جنگ اول هند و پاکستان، بخش‌هایی از اموال وقفی او را مصادره کردند و حتی برای مدتی، کتابخانه‌هایی را که او تأسیس کرده بود، بستند و اجازه برگزاری مراسم عزاداری را ندادند. محمد خان پس از آن رفتار خصمانه، در پاکستان ساکن شد، اما هیچ مقام و مسئولیتی را نپذیرفت و در کراچی مانند یک شهروند عادی زندگی می‌کرد؛ شهروندی که سخت مورد اعتماد و احترام همه مردم، از هر مذهب و نژاد بود. مدتی بعد و به پیشنهاد یکی از دوستانش، راهی لندن شد و در آنجا ریاست مؤسسه اسلامی لندن را برعهده گرفت.

■ ماجرای وفات محمد خان و انتقال پیکرش به مشهد

روز ۱۹ مهرماه سال ۱۳۵۲ (مطابق با ۱۴ رمضان) بود که محمد خان هنگام انجام کارهایش در مؤسسه اسلامی لندن، دچار حمله قلبی شد. او را به بیمارستان منتقل کردند، اما معالجات افاقه نکرد و این مرد بزرگ، دو روز بعد در ۲۱ مهرماه ۱۳۵۲ دار فانی را وداع گفت. طبق وصیتش، باید پیکر او را به عراق منتقل می‌کردند و در حرم مطهر امام حسین(ع) به خاک می‌سپردند اما اوضاع عراق به دلیل کودتا و درگیری‌های داخلی سخت مشوش بود و به همین دلیل، با تصمیم بزرگان قرار بر این شد که پیکر محمد خان به مشهد حمل شود و در جوار حرم مطهر امام رضا(ع) مدفون شود. به این ترتیب، پیکر محمد خان به مشهد آورده و پس از اقامه نماز بر آن، توسط آیت‌اللّٰه العظمی میلانی در باغ رضوان دفن شد. در سال ۱۳۵۴ خورشیدی همزمان با اجرای طرح توسعه حرم مطهر و آغاز تخریب بخش‌هایی از باغ‌رضوان، خانواده محمد خان به ایران آمدند و بقایای جسد وی را به مقبره‌ای در داخل حرم رضوی در رواق اللّٰه‌وردی‌خان منتقل کردند و در مسیر عبور زائران امام رضا(ع) به خاک سپردند.

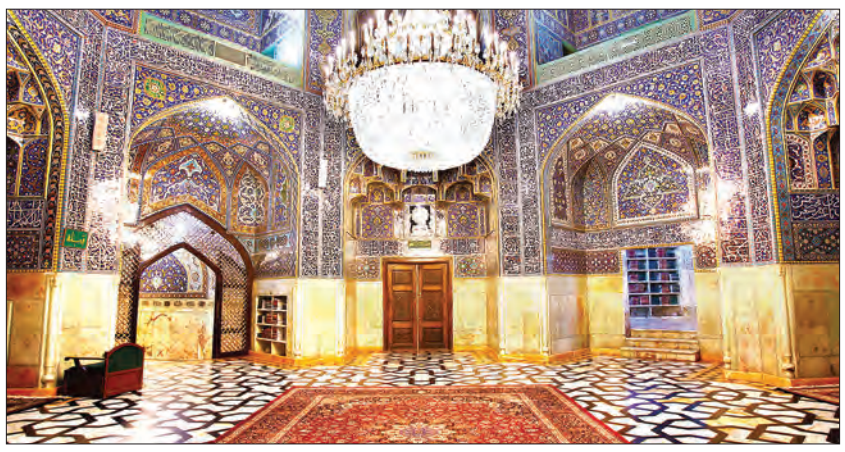

نشست خبری

بررسی هندسه نشر در آستان قدس رضوی

چاپ ۶۶ میلیون نسخه کتاب در چله اول انقلاب

مدیر عامل انتشارات «به‌نشر» گفت: چاپ و نشر در مجموعه آستان قدس رضوی ۹۵ سال سابقه دارد و تنها در دوره چهل ساله انقلاب اسلامی، ۶۶ میلیون نسخه کتاب توسط بخش‌های مختلف این آستان مقدس به چاپ رسیده که نشان از اهمیت و جایگاه والای کتاب در آستان قدس رضوی دارد.به گزارش آستان‌نیوز، حسین سعیدی در نشست خبری هفته «کتاب، کتابخانه و کتابدار» که با حضور مؤسسه‌ها و مجموعه‌های مرتبط با این حوزه در آستان قدس رضوی برگزار شد، افزود: پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ۲۷ عنوان کتاب توسط آستان قدس رضوی منتشر شده بود و از سال ۵۷ تا ۹۹ این آمار به ۱۴ هزار و ۸۵۰ کتاب رسیده است که نشان از توجه ویژه به موضوع کتاب و کتاب‌خوانی دارد. سعیدی سهم انتشارات به‌نشر از این آمار را هم ۶ هزار و ۱۷۲ عنوان کتاب در شمارگان ۲۶ میلیون نسخه ذکر کرد.

وی اضافه کرد: یکی از مزیت‌های نشر در آستان قدس رضوی، ایجاد زنجیره کامل از تولید محتوا تا توزیع و معرفی است که این امتیاز در کمتر مجموعه‌ای مشاهده می‌شود. سالانه بیش از ۳۰ میلیون مخاطب از آثار به‌نشر در فروشگاه‌های این مؤسسه بهره‌مند می‌شوند و با توجه به مشکلاتی مانند کمبود و افزایش قیمت کاغذ، به‌نشر نه تنها در انجام مسئولیت خود عقب‌نشینی نکرده بلکه روند رو به رشدی را هم تجربه کرده است.

منبر مجازی

دینداری می‌کنیم که چی بشه؟

حجت‌الاسلام حامد کاشانی | یکی از مسائلی که من سال‌هاست دنبال می‌کنم اینه که بررسی کنیم ببینیم ما داشته‌های دینی‌مون رو از کجا آوردیم؟ یک قانون «از کجا آورده‌ای» مربوط به مسائل مالی مسئولان بود که البته خوب اجرا نشد یا تصویر اجرای خوبش به مردم ما نرسید... خب حالا ما مثل همون قانون، خودمون باید بررسی کنیم ببینیم عقایدمون رو از کجا آوردیم؟... ما دینداری می‌کنیم که چی بشه؟ دینداری می‌کنیم که سعادتمند بشیم. دینی که سعادت برای ما نیاره دین نیست... تعصبات و اوهامه... شبیه حرفایی که بت‌پرست‌ها می‌زدن و می‌گفتن ما به دینی هستیم که پدرانمون بودن... دین اگه دینه، حتماً باید موجب سعادت بشه... باید رفتار مارو در دنیا تغییر بده... باید عطوفت و مهربانی بیاره... دینی که مردم رو خشن کنه معلومه اشکال داره... یکی از اشکالاتی که ما در بعضی هیئت‌ها می‌بینیم اینه که اینا آماده‌اند زود زبانشون و مشت‌هاشون گره کرده بشه و علیه شیعیان امیرالمؤمنین استفاده بشه... هیئتی که تولّی رو ترویج نکنه معلومه تدینش اشکال داره... این دینی که باید سعادتمندی بیاره... محبت بین مؤمنین بیاره (تولّی) از کجا باید بیاد؟ البته تولی که میگم منظور ولایت نیست... ابراز مهربانی و عطوفت بین مؤمنین است... نه فقط محبت توی دل... محبت به شیعیان... محبت به هر مستضعفی که علیه مستکبرین مقاومت میکنه... محبت به مسلمینی که در هر جای دنیا هستند... پس دین باید هم مارو سعادتمند کنه هم نسبت به هم مهربان کنه... چون توی فضای مجازی گاهی می‌بینید که به راحتی به هم میپرن... پس دینداریه درست نیست که هنوز به هم می‌پرن... علاوه بر این، دین باید از قدیم به ما رسیده باشه... از گذشتگانمون دین رو گرفته باشیم... دین از مسیر دین نبوی به ما رسیده باشه... ساده اینکه باید عقایدمون، نه مناسک و مراسممون رو از گذشتگان، دینداران گذشته‌مون، از ائمه‌مون گرفته باشیم... خب از کجا بفهمیم این دینی که داریم قراره مارو سعادتمند کنه، بینمون محبت ایجاد کنه و صدها خدمت دیگه بکنه؟... گاهی ممکنه رفتارمون نشون بده این تدینه توش سعادتی نداره... مثلاً وقتی می‌بینیم آمار طلاق و ازدواجمون درست نیست این آژیر می‌زنه به ما هشدار میده که شما برگرد ببین افکار و عقایدت از کجا اومده؟ اینجا باید برگردیم اعتقاداتمون رو از صاحب دینمون بگیریم... .

نیمکت زندگی

آرزوها توی هوا پخش می‌شوند

رقیه توسلی | حرف آرزو را می‌آورد وسط و می‌گوید: اگه قرار باشه خدا همین امروز یکی از آرزوهاتون رو برآورده کنه، خواسته‌تون چیه؟

دیکتاتور هم هست! می‌گوید به بهترین آرزو از نظر خودش، هدیه باحالی می‌دهد. همکارمان خانوم «متّقی» این تریپی‌ست. اساساً ایجاد چالش، گفت‌وگو و کار دسته‌جمعی در خونش قُل می‌زند و دوست دارد همه را سرکیف و فعال ببیند. همیشه خدا هم یک ایده ته جیبش دارد تا هیجانی ایجاد کند که نپوسیم توی وانفسای کرونا.

جواب‌ها دانه دانه از راه می‌رسند و کم کمک دستمان می‌آید توی دل خودمان و دل بقیه چه خبر است: خونه می‌خواستم. والا پوستِ من و شوهرم کنده شد بس که حقوقامونو دسته کردیم و اجاره دادیم... کار مهاجرتم درست می‌شد می‌رفتم پیش خواهرم... می‌خواستم قیافه‌ام اینی نباشه که الان هست... بدون شک آرزوم درمان این وسواس کوفتیه. خدا این مرضُ نخواد برا هیچ کی... دلم می‌خواست یه شرکت داشتم درندشت. خودم نوکر و آقای خودم بودم... اگه دو سه تا خدمتکار دوروبرم بودن دیگه هیچی نمی‌خواستم، بس که خونه‌داری و کارگری و بچه‌داری کردم و کسی قدردونم نبود... به مادرم که فکر می‌کنم می‌بینم یک عمر، من آرزوی بی قید و شرط اون بودم. حالا جز سرپا شدنش خواسته‌ای ندارم، حقیقتاً خواسته قلبیم اینه هیچ پدرمادری، تخت‌نشین و بیمار نباشن... سروسامون بگیرم و ازدواج کنم. البته با یه جنتلمن تمام‌عیار که خاطره نامزدِ معتاد سابقمُ پاک کنه از سرم... .

آرزوها که توی هوا پخش می‌شود به وضوح آدم‌هایی را می‌بینم که منتظرند. منتظر دستی که از غیب آن‌ها را بردارد ببرد آسمان. پیش او که صاحب اختیار عالم است. الهی که خودش به داد همه امیدها و آرزوها برسد.

سنجاق

باورم نمی‌شود خانوم متّقی، هدیه را بگذارد جلو من و دم گوشم بگوید: پیر شی جوون!

پی‌نوشت

پیامبر(ص): آرزو برای امت من رحمت است. اگر آرزو نبود هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌نشاند.

کوتاه نوشت

حاجتی ۶۰ ساله

الهه ارجمندی راد | نگاهش را برد سمت دخترک جوان. دست‌های دختر روی دار قالی راه می‌رفت. ۱۸ سال بیشتر نداشت اما بیشتر نشان می‌آمد. تمام دخترهایی که می‌شناخت همین طور محکم و فهمیده بودند. از بچگی یادشان داده بودند یا به پای مادر کار کنند. اگر هم درس می‌خواندند اما پای دار قالی بزرگ می‌نشیند. مثل خود او که از وقتی به یاد داشت، کار کرده بود و حتی همین حالا که همیشه آرزویش را داشت اما حسب نسبت دوسه سال بعد از عروسی، عبدالله فوت کرد. بعد آن هم ازدواج نکرد. مدتی وردست قابله روستا کار کرد و خیلی از بچه‌های روستا را او به‌دنیا آورد، دیگر همه نه بیگم صدایش می‌کردند. نه بیگم هنوز هم سالم و سرحال بود اما پای زیارت رفتن نداشت، آن هم به تنهایی. همه روستا می‌دانستند آرزوی تمام این سال‌های پیرزن، رفتن به مشهدی بود که عبدالله قولش را داده بود اما حب کسی محبت و همتش را نداشت او را به زیارت ببرد. دخترک از پای دار بلند شد و استکانی چای برای ننه بیگم ریخت.

-«ننه جان! اگر امسال کنکور قبول شم دانشگاه مشهد انتخاب می‌کنم. اون‌وقت خودم می‌برمت پابوس آقا امام رضا(ع). قول میدم به خدا. تو فقط دعا کن قبول شم و بابام راضی شه...».

بیگم لبخندی به روی صبرش زد. دختر با محبت و با معرفتی بود. می دانست سرحرفش می‌ماند. اما هنوز تردید داشت سید قاسم اجازه دانشگاه رفتن را به دختر بدهد. نخواست دل صنم را بشکند و چندبار پشت هم گفت: «ان شاءالله دخترجان، ان شاءالله ننه جان...».

چای را با دستان لرزانش در نعلبکی ریخت و فوت کرد. از بالای عینک زل زد به چشمان نگران صنم... انگار خودش هم مطمئن بود پدر روی حرفش می‌ماند و فقط یک کلام می‌گوید: «نه!». رشته‌ای که او می‌خواست دانشگاه کرمان نداشت و ناچار بود به شهر دورتری برود. چه جایی بهتر از مشهد برای درس خواندن که تازه اقوام دور مادری صنم هم آنجا زندگی می‌کردند. ننه بیگم چایش را تمام کرده بود که صنم هم قوتو را در پیاله ریخته و کنار کلمبه و چای بعدی پیرزن گذاشته بود.

بیگم لقمه‌ای از شیرینی در دهانش گذاشت و «یا علی» گفت تا با کمک عصایش بلند شود. می‌خواست امروزهم با سید قاسم حرف بزند. چه می‌شد مگر دختر او اولین دختر روستا باشد که به دانشگاه شهر دوری می‌رفت. با خودش فکر کرد ای کاش این‌بار سید قبول کند. صنم دختر باهوش و با استعدادی بود. ازهمان بچگی با خیلی دخترهای همسنش فرق داشت. همان‌جا رو کرد به مشهد و با حضرت درددلی کرد. دلش گرم شد که این بار دیگر سید رویش را نمی‌زند و شاید همین دوسه ماه دیگر او و صنم زائر امام می‌شدند.

موعظه

حجت‌الاسلام محسن قرائتی

مذمت بدزبانی و فحاشی

در رساله حقوق امام سجاد(ع) پیشرا ۵۰ حق بیان می‌شود که یکی از آن‌ها مربوط به زبان است. زبان عضوی است که هیچ وقت در نمی‌کند. آدم از هر عضوش زیادی کار بکشد، بد کار بکشد، ممکن است بگوید دیگر رمق ندارم، یا دیگر پیش نمی‌رود، چشمم نمی‌بیند، گوشم نمی‌شنود، دندان‌هایم عملی شده است، پایم عصایی شده است، کمرم خم شده و... ولی زبان درد نمی‌گیرد، بنابراین زبان عضوی است که هم گنده می‌کند و هم خسته نمی‌شود. یکی از حقوق زبان آن است که با این عضو فحش، دشنام و ناسزا گفته نشود. قرآن کریم می‌فرماید: زبانت را حمل کن برادب، یعنی وادارش کن مؤدبانه حرف بزند. حضرت می‌فرمایند: اگر حرف می‌زنید، اول زبانتان را غلاف کنید، هر چه لازم بود حرف بزنید. انسان هرگز نباید فحش و دشنام دهد. خداوند هم دشنام را بد می‌داند هم کسی را که اهل دشنام دادن و دشنام‌شنیدن است. متأسفانه بعضی‌ها هستند بدون فحش نمی‌توانند حرف بزنند. بعضی‌ها فحش را شخصیت می‌دانند، فکر می‌کنند اگر فحش بدهند علامت قلدر بودن است. نقل شده شخصی به نام سماعه به امام صادق(ع) رسید. حضرت از او پرسیدند تو به شتران‌هایت حرف زشت می‌زدی، قصه چه بود؟ گفت: به من ظلم می‌کند، درست است فقیر است، شتربان است، ولی به من ظلم کرده، چون ظلم کرده به او فحش می‌دهم. حضرت فرمودند: به تو ظلم کرد ولی حرفی که تو زدی زشت‌تر بود، اگر کسی به مسلمانی حرف زشت بزند، خدا برکت را از عمرش می‌گیرد، عمرش بی‌برکت می‌شود. امام علی(ع) شنید شخصی به قنبر فحش می‌دهد، قنبر هم رفت جواب بدهد، حضرت فرمود: ایستا راه کن، حرف نزن. گفت: آقا فحشم داد، گفت: فحشت داد، تو فحشش نده، اگر عصبانی شدی می‌خواستی فحش بدهی، خودت را نگه دار، در این صورت خداوند متعال از انسان راضی است و شیطان عصبانی می‌شود. بازگو کردن فحش هم مثل فحش است. مثلا من به کسی فحش می‌دهم، شما می‌گویی: «فهمیدمت چی شد، قرائتی رفت به فلانی فحش داد»، شما هم که فحش مرا نقل می‌کنید، گناه فحش دادن دارید. کسی که حرف زشتی را شنید و آن را برای دیگران پیامک کرد که فلانی به فلانی چنین حرفی زد، انگار که خودش هم این کاره است. حق نداریم حرف زشت را نقل کنیم، چطور نقل میکرو، کرونا می‌آورد؛ حدیث داریم فحش دیگران را برای دیگران نقل کنید مثل همان گناه است.

تبلیغ بین الهلال

مؤسس مرکز اسلامی آفریقای جنوبی مطرح کرد

بایسته‌های تبلیغ جهانی دین

مدیر اسبق مرکز اسلامی آفریقای جنوبی گفت: وقتی مبلغان به خارج از کشور می‌روند، چون فقط «لمعه» و «مکاسب» را خوانده‌اند چیزی برای عرضه ندارند، چراکه برای تبلیغ به علوم دیگری نیاز است. نشست «راهکارهای تبلیغ مؤثر در خارج از کشور» از پیش‌نشست‌های نخستین کنفرانس بین‌المللی «تبلیغ جهانی دین» یکشنبه ۲۳ آبان از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی برگزار شد. آنچه می‌خوانید گزیده‌ای از سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدعبدالله حسینی، مؤسس و مدیر اسبق مرکز اسلامی آفریقای جنوبی در این نشست است.

تاکنون تبلیغ دین در خارج از کشور را آسیب‌شناسی نکرده‌ایم تا روشن شود چه کارهایی را باید انجام دهیم تا تبلیغ مؤثرتری داشته باشیم. حتی در داخل کشور نیز تبلیغ باید مؤثر باشد. در واقع تبلیغ کردن به کاری روزمره تبدیل شده و گویا برخی از طلبه‌ها مؤثر بودن یا نبودنشان مهم نیست.

■ برنامه‌ای برای دردهای روحی جامعه نداریم

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای حفاظت از سلامت جسم افراد راه‌اندازی شده است و باید افرادی را تربیت کند که دردهای جسمانی مردم را درمان کنند و نیز این وزارتخانه بر استفاده صحیح از داروها نظارت کند. در این مسیر هر اتفاقی که برای بیمار بیفتد دکتر مسئول است و حتی امکان دارد مجوز طبابت را از دست بدهد. حال روح مهم‌تر است یا جسم؟ در حال حاضر برنامه‌هایی برای درمان روحی انسان وجود ندارد و دردها را تشخیص نمی‌دهیم و نمی‌دانیم دروغ، غیبت و دنبال هوای نفس رفتن را چگونه درمان کنیم؟ بنابراین کسی را هم نداریم که بتواند این‌ها را تشخیص دهد و برای درمان آن نسخه بنویسد. بنابراین به دنبال دردهای مزمن اجتماعی نرفته‌ایم و مبلّغ درست و حسابی برای آن تربیت نکرده‌ایم. به همین علت مبلغان بسیاری را به سراسر کشور اعزام می‌کنیم و کاری نداریم که نتیجه می‌دهد یا خیر، بلکه تنها به دنبال افزایش آمار هستیم تا اعلام کنیم امسال چند هزار مبلغ از سوی سازمان تبلیغات اسلامی به سراسر کشور فرستاده شده‌اند.

ممکن است یکی از همین مبلغان، حدیثی جعلی را در یکی از روستاها یا شهرها بیان کند و منجر به گمراهی یک جوان شود و حتی با خواندن روایتی نادرست در ذهن یک جمع تشکیک ایجاد کند. زمانی اگر کسی می‌خواست در حوزه علمیه روایتی را نقل کند باید اجازه می‌گرفت؛ برای مثال مجتهده امین از آیت‌الله میرزا آقابزرگ تهرانی اجازه نقل روایت داشت.

امروزه متأسفانه فردی که چهار پنج سال به حوزه علمیه رفته و لمعه یا درنهایت مکاسب را خوانده است به خودش اجازه می‌دهد هر حدیثی را که در اصول کافی باشد برای این و آن بخواند بدون اینکه توجه کند اگر در اصول کافی حدود ۱۶ هزار روایت وجود دارد، بنا بر نظر محمدباقر بهبودی، حدود ۲ هزار و ۵۰۰ مورد از آن‌ها متقن هستند و اسم آن را منتخب کافی گذاشته‌اند. در دنیای اهل سنت هم نمونه چنین اقداماتی را داشته‌ایم.

بقیه حدیث‌هایی که در اصول کافی آمده فقط برای استفاده متخصصان و کسانی است که از علم حدیث‌شناسی مطلع و نیز به رجال احادیث مسلط باشند.

اگر یک طلبه علم حدیث‌شناسی خوانده باشد، به هر حدیثی ارجاع نمی‌دهد. باید روش درست تبلیغ در داخل و خارج را به طلبه‌ها یاد بدهیم. باید امتحانات حدیث‌شناسی برگزار شود و سپس در صورت قبول شدن، به آن‌ها اجازه نقل روایت بدهیم یا حداقل روایت‌های صحیح را در اختیار مبلغان قرار دهیم و به آن‌ها بگوییم تنها اجازه نقل این روایات‌ها را دارند. مبلغان مسیحی خوب حرف می‌زنند و ما حرف‌های خوب داریم ولی بد حرف می‌زنیم، بنابراین جهان گوش شنوایی برای حرف‌های ما ندارد. شیعه حرف‌های جالبی دارد؛ از جمله می‌گوید تقلید در اصول دین و اعتقادات جایز نیست، بلکه باید با تحقیق انجام شود و این امر بسیار باارزش است. باید به جهان بگوییم ما دینی داریم که چنین خصوصیاتی دارد اما وقتی می‌خواهیم از این شگفتی‌ها با مردم حرف بزنیم، نحوه صحیح تبلیغ را بلد نیستیم، از این رو طرفدار پیدا نمی‌کنیم.

■ راهکارهای تبلیغ مؤثر اسلام در خارج از کشور

نخستین راهکار، آموزش است و اگر به‌خوبی به مبلغان آموزش ندهیم آن‌ها نمی‌دانند چه چیزی را باید بیان کنند. بنده برای تبلیغ در خارج از کشور، بخش زیادی از داشته هایم را به صورت تجربی بدست آورده‌ام. حتی برای این کار کتاب خاصی وجود ندارد که مبلغان آن را بخوانند. اگر مطالعات شخصی بنده در مورد اسلام، مسیحیت، وهابیت و تاریخ و تفسیر نبود، دستم برای تبلیغ خالی بود. برای مبلغانی امکانات فراهم شده است، ولی وقتی به خارج می‌روند چون فقط «لمعه» و «مکاسب» خوانده‌اند، چیزی برای عرضه ندارند، چراکه تبلیغ در خارج به این چیزها نیاز ندارد، بلکه مبلغ باید علوم دیگری را بداند. راهکار دوم هنر برقراری ارتباط است و باید انگیزه این کار وجود داشته باشد.

بنده در مسجدی در سعادت‌آباد تهران درباره قدرت خدا سخنرانی می‌کردم. متکلمان شیعه معتقدند قدرت خداوند بر محالات تعلق نمی‌گیرد و وقتی خواستم چنین چیزی را ثابت کنم گفتم خداوند نمی‌تواند دو به علاوه دو را تبدیل به پنج کند و یک شتر را از سوراخ سوزن عبور دهد بدون اینکه شتر کوچک یا سوراخ سوزن بزرگ‌تر شود. در همان لحظه یکی از روحانیون بلند شد و گفت نان امام زمان را می‌خورید و علیه خدا حرف می‌زنید، چراکه خداوند آفریننده این‌هاست و هر کاری بخواهد انجام می‌دهد. گفتم اگر فلسفه و کلام خوانده بودید، چنین حرفی نمی‌زدید، وگرنه تمام متکلمان شیعه تأکید می‌کنند قدرت خداوند بر محالات تعلق نمی‌گیرد. بنابراین برای تبلیغ در خارج از کشور با یک نسل تشنه روبه‌رو هستیم، اما هیچ اقدامی انجام نداده‌ایم. حتی گاهی تبلیغات ما به ضد تبلیغ تبدیل می‌شود و بسیاری از مبلغان به جای اینکه طرفداراتی برای انقلاب بپرورانند، اقدامات آن‌ها نتیجه عکس داده است و دین‌گریزی را دامن می‌زنند.

سؤال و جواب

جمع کمال‌طلبی و واقع‌گرایی در ازدواج چگونه ممکن است؟

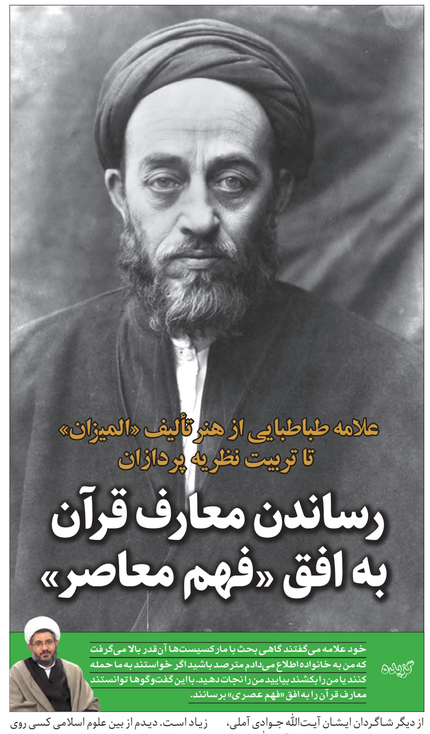

علامه طباطبایی از هنر تألیف «المیزان» تا تربیت نظریه پردازان

رساندن معارف قرآن به افق «فهم معاصر»

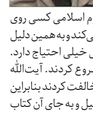

گزیده

خود علامه می‌گفتند گاهی بحث با مارکسیست‌ها آن‌قدر بالا می‌گرفت که من به خانواده اطلاع می‌دادم مترصد باشید اگر خواستند به ما حمله کنند یا ص را بکشند بیایید من را نجات دهید. با این گفت‌وگوها توانستند معارف قرآن را به افق «فهم عصری» برسانند.

زینب اصغریان | خیلی‌ها علامه طباطبایی را با تفسیر المیزانش می‌شناسند و برخی هم از ایشان به عنوان فیلسوف یاد می‌کنند. اما یکی از پرسش‌هایی که همیشه در ذهن خیلی از ما وجود دارد این است که چرا در بحث انقلاب اسلامی حرفی درباره این شخصیت علمی و قرآنی زده نمی‌شود یا در تاریخ مبارزات علیه رژیم پهلوی، کسی از علامه طباطبایی نامی نمی‌برد. با حجت‌الاسلام احمد فربهی، استاد فلسفه حوزه و دانشگاه درباره همین پرسش‌ها و همچنین شخصیت و جایگاه علامه به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

■ برای شروع بحث ابتدا از جریان‌شناسی فکری علامه طباطبایی برایمان بگویید.

نظریات علامه طباطبایی حول محور یک نظریه اصلی و پایه می‌چرخد؛ آن هم نگاهی است که ایشان به هویت جامعه دارند. علامه از جمله نخستین افرادی هستند که در عصر حاضر نگاه مستقل به جامعه دارند و به شکلی معتقد به اصالت جامعه‌اند. ممکن است بگویید در زمان ایشان مارکسیست‌ها هم معتقد به اصالت جامعه بودند. باید بگویم اصالتی که مارکسیست‌ها به آن معتقد بودند، اصالتی بود که نوعی عینیت برای جامعه قائل بودند. یعنی موجب می‌شد اراده افراد را محکوم جامعه بدانند و قائل به نوعی از جبر اجتماعی باشند. علامه به این نوع اصالت و جبر اجتماعی معتقد نبود. نمونه بارزی که نشان‌دهنده نفی این نوع اصالت جامعه است، پیامبران الهی‌اند که در طول تاریخ همیشه اراده قالب جامعه را شکسته‌اند و هنجارهای جدیدی را جایگزین کرده‌اند.

علامه طباطبایی در حالی که قائل به نوعی اصالت جامعه بودند اما می‌گفتند قرآن نگاه مستقلی به جامعه دارد. قرآن برای جامعه صفات و رفتارهایی قائل شده است. قرآن برای جامعه حیات و مرگ قائل شده و این نوع نگاه قرآن، نشان‌دهنده نوعی نگاه مستقل به جامعه است.

خب این نگاه مستقل به جامعه مبنای بقیه قوانین اجتماعی می‌شود. مانند فشار اجتماعی که جامعه می‌تواند به افراد بیاورد که به آن فشار هنجاری گفته می‌شود. اینکه جامعه ابتدا در برابر مصلحان یا پیامبران الهی یا افرادی که می‌خواهند در جامعه تغییر به وجود بیاورند یا برخلاف مسیر جامعه حرکت کنند، مقاومت می‌کند، همه از واقعیت‌های اجتماعی هستند.

مثلاً خانمی که بخواهد با پوشش مناسب در برخی از محله‌ها قدم بزند فشار هنجاری زیادی بر او وارد می‌شود و او باید در مقابل آن هنجارها مقاومت کند. بنابراین ارزش رفتار یک خانم با پوشش مناسب در برخی از اوقات بعضاً از هزاران عمل صالح بیشتر است چون سختی و اثرش هم بیشتر است.

■ یعنی علامه در نهایت اراده افراد را فوق اراده جامعه می‌دانستند؟

خیر، ایشان اراده افراد را فوق اراده جامعه نمی‌دانستند اما اراده افراد را محکوم اراده جامعه هم نمی‌دانستند. برای جامعه فشار هنجاری قائل بودند نه به اندازه‌ای که برای فرد جبر درست کند. افراد می‌توانند به اندازه اراده مستقل خودشان بر اساس عقل و اختیار خودشان بر خلاف جامعه عمل کنند. این مقاومت دربرابر جامعه گاهی آن قدر قدرت دارد که می‌تواند مسیر جامعه را عوض کند اما گاهی قدرت ندارد و ممکن است از مسیر جامعه حذف شود. مثل برخی پیامبران الهی که در این مسیر کشته شدند. در ماجرای حضرت صالح، ناقه را یک نفر کشت اما دیگران به این کار راضی بودند و سکوت می‌کردند و همه این‌ها یک شیب رفتاری درست کرد که متناسب با انجام آن معصیت الهی بود. پس محوری‌ترین نظریه علامه طباطبایی در مسائل اجتماعی همین نگاه مستقل به جامعه است.

■ آیا می‌شود برای علامه طباطبایی در جریان‌سازی فکری و اجتماعی نقشی را قائل بود؟ آیا ایشان توانسته‌اند تأثیری در روند انقلاب اسلامی داشته باشند؟ در هدایت و تداومش چطور؟

نخست باید به این نکته توجه کنیم که علامه به دلیل شخصیت قوی خود توانستند نیروهای قوی و تأثیرگذاری تربیت کنند بنابراین نمی‌شود گفت تأثیری در جریان‌سازی انقلاب نداشته‌اند. همین که شاگردان ایشان در قله تحولات و جریان انقلاب قرار دارند، نقش و تأثیرگذاری کمی نیست.

علامه طباطبایی، شهید مطهری را تربیت کردند و شهید مطهری شخصیتی بود که امام در همه جریان‌های انقلاب افراد را به ایشان ارجاع می‌دادند. من یادم هست آیت‌الله مصباح یزدی در یکی از سخنرانی‌های عمومی خود فرمودند آن زمانی که شهید مطهری بودند افرادی که به نظر دیگران از شهید مطهری بالاتر بودند هم حضور داشتند و همه انتظار داشتند مرحوم امام جامعه را به افراد دیگری ارجاع دهند ولی همه متوجه شدند شخصیت شهید مطهری شخصیتی است که امام ایشان را به عنوان شخصیتی مرجع معرفی کردند و شهید مطهری را به عنوان تشکیل‌دهنده شورای انقلاب قرار دادند. خود علامه طباطبایی درباره شهید مطهری فرمودند: تنها کسی که از همه جهت مطمئن بودم حرف‌هایم نزدش هدر نمی‌رود.

■ در فضایی که فلسفه از دید برخی بسیار مذموم شمرده شده بود، علامه چطور به این سمت و سو رفتند و در این فضاهای متحجرانه فلسفه را احیا کردند؟

آیت‌الله مصباح به نقل از علامه فرمودند: من وقتی از نجف به قم آمدم دیدم درس فقه و اصول حجت‌الاسلام محسن عباسی ولدی در برنامه «بدون توقف» در خصوص اینکه چطور در ازدواج می‌شود هم کمال‌طلب بود و هم معیارهای واقعی داشت، توضیح داد: تعریف ما از معیار واقعی این است که قرار است در همین جامعه و از میان همین افراد انتخاب کنیم. اتفاقاً یکی از ارکان کمال‌گرایی، واقع‌نگری است؛ کمال باید نقطه مطلوب شما باشد، اگر قله را در نظر بگیرید هم نمی‌توانید بپرید، باید مراتب را طی کنید. معیارهای ما باید درجه‌بندی شده باشد؛ معیار درجه یک یعنی فرد بدون آن‌ها احساس خوشبختی نکند و نتواند زندگی کند، معیارهای درجه دوم هم معیارهای ترجیحی هستند.

در زمینه کمال‌طلبی هم می‌گوییم معیارهای درجه یکتان را انتخاب کنید تا آن همسویی اصلی‌ترین معیار برای تشخیص درجه یک بودن باشد. اگر شما بتوانید یک ازدواج موفق داشته باشید که به آرامش برسید این آرامش پایه‌ای برای رشد شماست. نکته پایانی که کلیدی هم هست اینکه فراموش نکنیم در ازدواج باید به هر معیاری به اندازه و ارزش و دخالتش در ازدواج بها دهیم، چه تعداد از ملاک‌هایی که به آن فکر می‌کنیم یا فلسفه ازدواج که رسیدن به آرامش است تناسب دارد؟ اگر این طور نگاه کنیم بسیاری از این ملاک‌ها حذف می‌شوند و برخی از ملاک‌ها از ارزش می‌افتند.

عباسی ولدی با اشاره به اینکه جوان‌هایی که اولین معیارشان قیافه است چیزی را در نظر گرفته‌اند که خیلی در آرامش و همسویی آن‌ها در ازدواج تأثیری ندارد، گفت: اگر مرد چشم‌چران باشد و دائم قیافه‌های مختلف ببیند حتی اگر همسرش نمره ۲۰ هم باشد باز هم راضی نخواهد شد. واقعاً منهای نگاه مرسم این تفاوت‌های ظاهری چقدر می‌تواند مهم باشد، حواستان باشد شما می‌خواهید فردی را انتخاب کنید که نسلتان را تا قیامت با او مدیریت کنید، اگر من خوب انتخاب کرده و قواعد زندگی مشترک را رعایت کنم این زندگی خاصیتش عشق‌زا و عشق‌افزاست.

وی ادامه داد: یک زن اگر خوش اخلاق و مهربان باشد، حواسش به مادری و زندگی‌اش باشد، قانع باشد، اقتدار و حرمت مرد را حفظ کند هرچند اینکه نمره قیافه‌اش ۱۲ هم باشد برای مردش خیلی زیباتر از آن زن زیبایی است که این خصوصیات را ندارد. بخشی از جذابیت و زیبایی به ارتباط عاطفی با طرف مقابل برمی‌گردد. اگر مردی فکر می‌کند همسرش به لحاظ خصوصیات اخلاقی تقریباً کامل است و ایراد جدی ندارد اما به لحاظ ظاهر نمی‌تواند دوستش بدارد باید مشکل را در وجود خودش پیدا کند و خودش را درست کند.

عکس نوشت

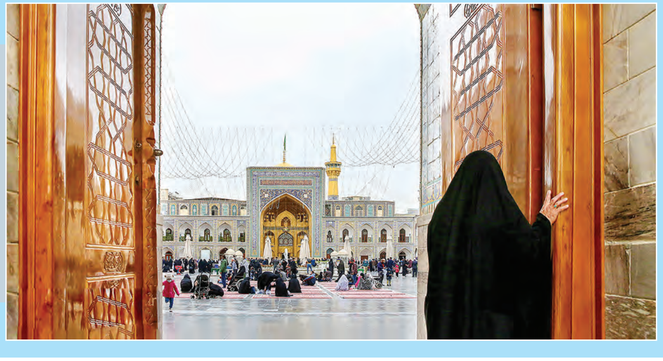

دامنی اشک و آه آوردم

عکس: سارا یوسفی

شعر از مصطفی محدثی

می‌رسم خسته می‌رسم غمگین
گرد غربت نشسته بر دوشم
آشنایی ندیده چشمانم
آشنایی نخوانده در گوشم
می‌رسم چون کویری از آتش
چون شب تیره‌ای که نزدیک است
تشنه آفتاب و بارانم
دیده کم‌آب و سینه تاریک است
آمدم تا کنار مرقد تو
دامنی اشک و آه آوردم

مثل آهوی خسته از صیاد
به حریمت پناه آوردم
آمدم تا خزان قلبم را
با نگاهی پر از جوانه کنی
بشکند بغض و اشک‌هایم را
مثل تسبیح دانه‌دانه کنی
در طواف تو مثل پروانه
هستی‌ام را به باد خواهم داد
تا نگاهم کنی تو را سوگند
به عزیزت جواد خواهم داد

به روایت دیگرگه

خاطراتی از مرحوم آیت‌الله سیدمحمدحسین طباطبایی

علامه به روایت علما

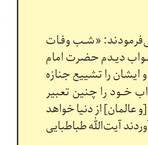

محیاسادات قریشی | علامه طباطبایی از بزرگ‌ترین علمای قرن حاضر است که به ندرت می‌توان عالمی را در عرصه فلسفه، تفسیر، اصول و اسلام‌شناسی در تراز ایشان یافت. علامه در قم به‌جای اشتغال به فقه و اصول به مباحث تفسیر و فلسفه روی آورد اما روح بلند و طبع لطیف ایشان از شعر و ادب و نقاشی نیز غافل نبود، هرچند به نظر می‌رسد توجه به زندگی علمی و فلسفی ایشان موجب غفلت از دیگر عرصه‌ها شده است، بنابراین بررسی زندگی فردی و اجتماعی ایشان و بازخوانی خاطرات اطرافیان خالی از لطف نیست.

■ همدردی با فلسطینی‌ها

در سال ۱۳۴۸ همزمان با جنگ ۶ روزه اعراب و رژیم اسرائیل، ایشان به همراه آیت‌الله حاج ابوالفضل موسوی زنجانی و آیت‌الله شهید مطهری با انتشار بیانیه‌ای، ضمن محکومیت اسرائیل و اظهار همدردی با مردم مظلوم فلسطین، با افتتاح شماره حساب بانکی از مردم خواستند به یاری فلسطینی‌ها به یاخیزند.

■ اخلاص

علامه می‌فرمودند: «در اوایل تحصیلم، حدیث «من اخلص لله اربعین صباحاً، فجّر الله ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه: هر کس ۴۰ روز خود را برای خداوند خالص کند، خداوند چشمه‌های حکمت را از دلش بر زبان وی جاری و روان می‌کند» را خواندم و تصمیم گرفتم بدان عمل کنم. پس از آن چله، هرگاه اندیشه و توجه گناهی به ذهنم می‌آمد، ناخودآگاه و بی‌فاصله از ذهنم می‌رفت».

■ دعوت به تدریس فلسفه در آمریکا

در زمان رژیم ستمشاهی، آمریکاییان تلاش داشتند برای تدریس فلسفه شرق، ایشان را به یکی از دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا ببرند. دولت آمریکا برای عملی کردن این برنامه، به محمدرضا شاه معدوم متوسل شد. وی هم از آیت‌الله العظمی بروجردی(ره) خواست این موضوع را به اطلاع علامه برسانند اما ایشان نپذیرفتند.

■ صعود و پرواز شهید

پس از واقعه هفتم تیر که نزدیکان و اطرافیان علامه طباطبایی به علت کسالت ایشان نمی‌خواستند خبر شهادت دکتر بهشتی را به علامه بدهند، در همین احوال یکی از اطرافیان به اتاقشان می‌رود و ایشان به او عبارتی بدین مضمون می‌فرمایند: «چه به من بگویید و چه نگویید من آقای بهشتی را می‌بینم که در حال صعود و پرواز است».

■ ارتباط علامه و انقلاب

دختر علامه طباطبایی و همسر شهید قدوسی نقل می‌کند: از اول کار پدر ما و امام دو جوانی بودند که در یک محل بودند و یک فرد دیگری نیز بود که با هم رابطه داشتند. آن زمان امام و پدر من حدود ۵۰ سال داشتند. امام هم خیلی زحمت می‌کشیدند، هم درس می‌دادند و هم به مسجد می‌رفتند. پدر ما به هیچ‌عنوان اهل توهین نبود و حتی به دشمنان خود هم که می‌رسید اهل ظاهر کردن این موضوع نبود، اما پدرم و امام از نظر اخلاقی دو تیپ رفتاری داشتند، امام فردی پرشور بود و پدرم فردی صبور و اهل کار خودش بود. حتی یک‌بار هم به فرزندانشان «تو» نگفتند، چنین فردی که اخلاق اینچنینی دارد، چیزی را ظاهر نمی‌کند. وقتی آقای قدوسی به زندان افتاد، هیچ‌گاه پدرم به او نگفت چرا این‌طور می‌کنید یا زن و بچه تو چکار کنند، بالاخره منم نیز دختر ایشان بودم. پدرم از دست شاه عاجز بود، می‌گفت من تعجب می‌کنم چرا شاه وقتی می‌خواهد حکم اعدامی را امضا کند، یک حالت فرح به او دست می‌دهد، پدرم می‌گفت او چه‌جور آدمکشی است؟ پدرم جنایت‌ها و تاراج اموال این ملت توسط شاه را می‌دید و معترض بود. علامه به امام ارادت داشتند و می‌دانستند امام فرد مخلصی است، کسی که می‌خواهد رهبر یا مرجع تقلید شود باید اخلاص داشته باشد و اگر بنا باشد به خاطر خودش یا اطرافیانش کاری کند، دیگر درست نیست و عدالت ندارد. اگر کسی عادل نباشد نمی‌توان از او تقلید کرد. اگر خدا را منظور داشته باشیم، به هیچ‌چیز نظر نخواهیم کرد و تا وقتی که جوان هستیم باید خود را بسازیم.

■ در فراق همسر

در روزهایی که علامه طباطبایی در سوگ همسرشان محزون و متأثر بود و اشک فراوانی از دیدگانش بر گونه‌ها جاری می‌ساخت، یکی از شاگردان دلیل این همه آشفتگی و ناراحتی علامه از این بابت را جویا شده بود، علامه پاسخ داده بود: «مرگ حق است، همه باید بمیریم، من برای مرگ همسرم گریه نمی‌کنم، گریه من از صفا و کدبانوگری و محبت‌های خانم بود».

من زندگی پرفراز و نشیبی داشته‌ام. در نجف با سختی‌هایی مواجه می‌شدم، من از حوائج زندگی و چونگی اداره آن بی‌اطلاع بودم، اداره زندگی به عهده خانم بود. در طول مدت زندگی ما، هیچ‌گاه نشد خانم کاری بکند که من حداقل در دلم بگویم کاش این کار را نمی‌کرد یا کاری را ترک کند که من بگویم کاش این عمل را انجام داده بود. در تمام دوران زندگی هیچ‌گاه به من نگفت چرا فلان عمل را انجام دادی؟ یا چرا ترک کردی؟... من این همه محبت و صفا را چگونه می‌توانم فراموش کنم».

■ تعبیر خواب

آیت‌الله کشمیری می‌فرمودند: «شب وفات علامه طباطبایی در خواب دیدم حضرت امام رضا(ع) درگذشته‌اند و ایشان را تشییع جنازه می‌کنند. صبح، خواب خود را چنین تعبیر کردم که یکی از بزرگان [و عالمان] از دنیا خواهد رفت و در پی آن، خبر آوردند آیت‌الله طباطبایی درگذشت».

■ استماع قرآن توأم با گریه

استاد محمدباقر موسوی همدانی، مترجم تفسیر المیزان طی خاطراتی گفته است: «علامه طباطبایی قرآن را در خود پیاده کرده بود، وقتی در تفسیر قرآن به آیات رحمت و غضب اینکه پدرش فلسفه تدریس می‌کرد، نجس می‌دانستند، علامه طباطبایی یک‌تنه فلسفه را در حوزه علمیه زنده کرد، مرحوم امام آن زمان دیگر فلسفه نمی‌گفتند ولی علامه فلسفه تدریس می‌کردند.

■ نگاه عرفانی در جامعه در اندیشه علامه چه جایگاهی دارد؟

مرحوم علامه ایده‌ای داشتند که می‌گفتند من این فکر را از اسلام گرفتم. ایشان می‌گفتند اگر همه قرآن را جمع کنید می‌شود توحید، اگرهمه توحید را پخش کنید می‌شود همه قرآن و نظام دستوری و اندیشه‌های اسلام.

مرحوم علامه طباطبایی معتقد بود مکتب اسلام خصوصیتش این است اندیشه‌های توحیدی و زیر بنایی‌اش را روبنایی‌ترین نظام‌های رفتاری‌اش گسترش داده است، جوری که وقتی نماز می‌خوانید، شریعت مقدس، تمام تفکرات توحیدی را در لایه‌های نماز حاضر کرده است چنان‌که اگر نمازتان را با توجه بخوانید پس از مدتی موحدی عمیق خواهید شد. مرحوم علامه همین مبنا را در اخلاق هم قائل بود. یعنی می‌گفت اگر تفکر توحیدی داشته باشید، زمینه بسیاری از تفکرات غیرتوحیدی و بسیاری از مفاسد اخلاقی منتفی می‌شود، همچنان که شیب رفتاری به سمت همه خوبی‌ها فراهم می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی همین نگاه را زیر بنای تمام نظام‌های اجتماعی اسلام می‌دانست. اصل این مطلب را مرحوم علامه بیان کردند اما مانند بسیاری دیگر از اندیشه‌هایشان شرح و بسط ندادند.

■ یعنی علامه از این‌ها تأثیر پذیرفتند؟

از معلومات این‌ها در بدست آوردن پاسخ‌های قرآنی استفاده کردند. مرحوم علامه در تفسیر المیزان نام یدالله سحابی را می‌آورند. یدالله سحابی البته چنان به بزرگی از علامه یاد می‌کند که نشان می‌دهد علامه چقدر نزد این‌ها عظمت داشته‌اند. اصلاً یکی از نکات جالب درباره علامه، همین عظمتی است که شاگردان ایشان و دیگران به آن اشاره کرده‌اند. کار ارزشمند مرحوم علامه طباطبایی این است که معارف اسلام را در بستر گفت‌وگو با صاحبان اندیشه‌های جدید، امروزی و کارآمد ساختند.

مرحوم احمدی نقل می‌کنند: ایشان در تهران با اندیشمندان مختلف گفت‌وگو می‌کردند. خود می‌گفتند گاهی بحث با مارکسیست‌ها آن‌قدر بالا می‌گرفت که من به خانواده اطلاع می‌دادم مترصد باشید اگر خواستند به ما حمله کنند یا من را بکشند بیایید من را نجات دهید.

مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی می‌فرمود: علامه همواره از امام به عظمت یاد می‌کرد. اگر کسی سعی می‌کرد متلاًامام را پیش ایشان زیر سؤال ببرد علامه می‌گفتند آقای خمینی بر ملکوت تسلط دارد. من معتقدم این تأییدات هم خودش نوعی کمک کردن به انقلاب اسلامی بود. البته خاطره‌ای هم از رهبر معظم انقلاب نقل شده که مرحوم علامه گفتند ما در مسائل اجتماعی کوتاهی‌هایی کردیم، می‌شد در مسائل اجتماعی پررنگ‌تر و جدی‌تر حاضر شد.

منابع وحیانی آشکار کردند که در افق پاسخگویی به سؤالات عصر بود.

■ نگاه عرفانی در جامعه در اندیشه علامه چه جایگاهی دارد؟

مرحوم علامه ایده‌ای داشتند که می‌گفتند من این فکر را از اسلام گرفتم. ایشان می‌گفتند اگر همه قرآن را جمع کنید می‌شود توحید، اگرهمه توحید را پخش کنید می‌شود همه قرآن و نظام دستوری و اندیشه‌های اسلام.

مرحوم علامه طباطبایی معتقد بود مکتب اسلام خصوص

السجاد

الخیر کله صیانة الانسان نفسه

سعادت و خوشبختی انسان در حفظ نفس خود از کار زشت است.

رواق قدس ۴

خبر امروز

عمومی‌سازی دانش با کتاب

رئیس بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی گفت: سیاست‌های تحولی این بنیاد در مقوله کتاب را می‌شود در یک عبارت با عنوان «عمومی‌سازی دانش» خلاصه کرد.

احد فرامرز قراملکی در نشست خبری هفته «کتاب، کتابخانه و کتابدار» گفت: امسال به مناسبت هفته کتاب در سازمان علمی و فرهنگی آستان قدس رضوی شعار «تسهیل، تصحیح و تعمیق مواجهه مردم با کتاب» انتخاب شده است و امیدواریم بتوانیم با تحقق آن، فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی را بیش از گذشته ترویج کنیم. همه ما انواع مواجهات کنشی، احساسی، شناختی و خطوطی را با کتاب داریم که به دو صورت مواجهات سطحی و ژرف‌نگر تقسیم می‌شود، به همین دلیل ما تلاش داریم مواجهه با کتاب و مطالعه آن را تسهیل، تصحیح و تعمیق بخشیم. امروزه تولید دانش در جهان دو سرنوشت را دنبال می‌کند؛ نخست دانشی که ۱۰۰ درصد آکادمیک و به زبان تخصصی و برای افرادی خاص است و دیگری دانشی است که عمومی‌سازی شده و مخاطبان زیادی را در برمی‌گیرد. ما می‌توانیم دانش را با حفظ اصالت و استحکام علمی عمومی‌سازی کنیم که البته با عوام‌گرایی تفاوت دارد.

وقف و نذر

برداشت ۹۲۶ تُن میوه از باغ‌های موقوفه

با بهره‌وری مناسب در اراضی باغی موقوفات حاج حسین ملک، امسال ۹۲۶ تُن محصول از این باغ‌ها برداشت شده است. ۳۰۱ هکتار باغ در شهرستان‌های مختلف خراسان رضوی، بخشی از موقوفات مرحوم حاج حسین آقاملک است؛ باغاتی که حالا با مدیریت دقیق، افزایش بهره‌وری و استفاده از ارقام جدید و پربازده بذر و نهال، محصولاتی باکیفیت‌تر برای عرضه به بازار و مصرف زائران و مجاوران دارد. حاج حسین آقاملک در سال ۱۳۳۰ تصمیم گرفت در کنار وقف‌های قبلی خود، ۲۵ رقبه شامل ۲۴ هزار هکتار زمین در شهرستان‌های چناران، تربت‌جام و فریمان را هم وقف آستان مقدس حضرت رضا(ع) کند و این اراضی باغی بخشی از وقف‌نامه ۸۷۱۰ به حساب می‌آید.

خادمان رضوی برای تأمین لباس گرم کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و نیازمند پیشقدم شدند

«مهر همدلی» در سرمای پاییزی

همزمان با شب ولادت امام حسن عسکری(ع) توزیع بسته‌های لباس گرم توسط آستان قدس رضوی میان هزار و ۶۰۰ کودک، نوجوان و جوان زیر پوشش بهزیستی در استان خراسان رضوی آغاز شد.

به گزارش آستان‌نیوز، با حضور جمعی از خادمان امام رضا(ع)، طرح «مهر همدلی، خدمت رضوی» در رواق کوثر حرم مطهر رضوی کلید خورد تا با اجرای آن، بسته‌های لباس گرم همراه با پرچم متبرک بارگاه منور حضرت ثامن‌الحجج(ع) به تعدادی از خادمان اهدا شود و با عزیمت به شهرستان‌های مختلف استان خراسان رضوی، این هدایا را به کودکان بی‌سرپرست و نیازمند تقدیم کنند.

■ جمع‌آوری ۱۰میلیارد ریال

معاون اماکن متبرکه حرم مطهر رضوی درباره جزئیات این طرح گفت: با تأکید تولیت آستان قدس رضوی و با شروع فصل سرما، مرحله نخست طرح «مهر همدلی، خدمت رضوی» با مشارکت خادمان رضوی آغاز و با جمع‌آوری ۱۰میلیارد ریال برای هزار و ۶۰۰ کودک، نوجوان و جوان بی‌سرپرست و نیازمند زیر پوشش بهزیستی، لباس گرم تهیه شد که در هفته جاری در شهرستان‌های استان توزیع خواهد شد.

محمد توکلی ادامه داد: بنا داریم مرحله بعدی این طرح را با مشارکت بنیاد کرامت رضوی و شبکه خادمیاران رضوی در سطح ملی و برای کودکان بی‌بضاعت سراسر کشور اجرایی کنیم.

توکلی با اشاره به سابقه اجرای این گونه طرح‌های حمایتی توسط آستان قدس رضوی افزود: پیرو تأکیدات تولیت آستان قدس رضوی، خادمان بارگاه منور رضوی از آغاز شیوع کرونا در مراحل مختلف رزمایش «مواسات و همدلی مؤمنانه» با اقشار گرفتار و آسیب‌دیده از کرونا همراهی و همدلی خود را نشان دادند و همواره در انجام امور نیکوکارانه پیشگام بودند.

وی تصریح کرد: در سال ۹۹، خادمان حرم مطهر با مشارکت پرشور در تهیه و توزیع بسته‌های ارزاق بین اقشار بی‌بضاعت شهر مشهد، حس همدلی و نوعدوستی خود را برای چندمین بار به اثبات رساندند و مشارکت در تهیه لباس گرم هزار و ۶۰۰ کودک و نوجوان زیر پوشش بهزیستی نیز تلاشی دیگر از جانب خادمان حرم مطهر برای جلب رضایت حضرت امام رضا(ع) است.

صادق ذباح - عکس رضوی

■ آغازی برای همدلی بیشتر خادمان رضوی با فرزندان بهزیستی

مدیرکل بهزیستی خراسان رضوی نیز با قدردانی از اقدام خادمان حرم مطهر رضوی در اجرای این طرح گفت: حجت‌الاسلام والمسلمین مروی، تولیت آستان قدس رضوی به تأسی از سیره امام رئوف، همواره نگاهی پدرانه و مهربانانه نسبت به کودکان بی‌سرپرست دارند و در همین چند هفته اخیر که به مراکز نگهداری از این کودکان در شهر مشهد، سر زده و دست محبت بر سر آن‌ها کشیده‌اند، شاهد بازخوردها و اقدام‌های بسیار خوبی بوده‌ایم و حمایت از این کودکان نیز بیشتر شده است.

مسعود فیروزی افزود: در استان خراسان رضوی، نزدیک به هزار و ۶۰۰ فرزند بی‌سرپرست و بدسرپرست در ۹۲ مرکز تحت سرپرستی بهزیستی نگهداری می‌شوند که بنا است در اجرای طرح «مهر همدلی، خدمت رضوی» و با حضور جمعی از خادمان، هدایایی به تک‌تک این کودکان اهدا شود.

مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی تصریح کرد: این طرح آغازی برای همدلی بیشتر خادمان آستان قدس رضوی با خانواده بهزیستی است و جای شکرگزاری و قدردانی دارد.

کتاب و کتاب‌خوانی

رویکرد تحولی در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی

حجت الاسلام والمسلمین حسینی ، رویکرد تحولی کتابخانه‌های آستان قدس رضوی را تبدیل شدن به یکی از معتبرترین پایگاه‌های استنادی در کشور و منطقه اعلام کرد.

رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی گفت: این سازمان در حال حاضر تعداد ۵۸ کتابخانه فعال در سطح کشور دارد و میزان فضاهای مطالعاتی آن نیز بیش از ۱۰۰ هزار متر مربع است.سالانه حدود ۸ میلیون نفر از امکانات این سازمان استفاده می‌کنند و به طور میانگین حدود یک میلیون و پانصد هزار کتاب امانت و حدود ۴ میلیون کتاب در فضای کتابخانه ها مطالعه می‌شود. همچنین برای دسترسی بیشتر مردم به کتاب، در سه سال اخیر حدود ۲۵۰ هزار کتاب به عنوان منبع کمکی ۱۸۰ کتابخانه و مرکز علمی و آموزشی با اولویت مناطق محروم اهدا شده است.

وی ادامه داد: بزرگ‌ترین آرشیو تاریخ شفاهی شهری در خاورمیانه با ۲۰ هزار ساعت مصاحبه، در اختیار داشتن قدیمی‌ترین سند آرشیوی در ایران و ... بخشی از افتخارات سازمان کتابخانه‌های آستان قدس در عرصه ملی است. و این سازمان تنها مرکز اسناد در کشور است که کلیه اسناد قابل ارائه در مخازن اصلی را به صورت دیجیتال نیز در معرض دید علاقه‌مندان قرار داده است.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۵۹۱هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی محمداکبری فرزندرویش بشماره شناسنامه ۱۱صادره از فریمان در یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۴۵۱۹۶.۳ مترمربع پلاک فرعی از اصلی مفروزو مجری شده ازپلاک۱۲۴۷فرعی از ۲۸۹اصلی واقع در بخش۱۳ازمحل مالکیت رسمی متقاضی محرزگردیده است.لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می شوددر صورتیکه اشخاص نسبت بصدورسندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندازتاریخ انتشاراولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسیدظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد. آ۱۴۰۷۷۳۸

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰۰۸.۲۴ تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰۰۹.۸

محمدرضارجایی مقدم-رئیس ثبت اسنادواملاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسند رسمی

برابـرای شـماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۳۹۷هیات اول موضـوع قانـون تعییـن تکلیف وضعیـت ثبتی اراضی وسـاختمانهای فاقدسندرسمی مسـتقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدحسین آقایی مقدم فرزند سیدجعفر به شماره شناسنامه۱۲صادره ازفریمان دریک باب ساختمان وانباری ومحوطه به مسـاحت ۱۵۶۷.۸متر مربع پلاک ۳۳۹۴فرعی از۲۷۶اصلی واقع دربخش ۱۳خریداری ازمالک رسـمی آقای ابوالقاسم توکلو و علیرضا پور حاج رضایی محرز گردیده است. لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت بفاصله ۱۵روز آگهی میشوددرصورتی که اشخاص نسبت بصدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس ازاخذرسیدظرف مدت یکماه ازتاریخ تسـلیم اعتراض ،دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.آ۱۴۰۷۷۴۱

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰۰۸.۲۴

تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰۰۹.۸

محمدرضا رجایی مقدم- رئیس ثبت اسناد واملاک فریمان

آگهی تحدید حدود اختصاصی

حوزه ثبتی قاینات

پیرو آگهی تحدید حدود قبلی که به موجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده، اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین نامه قانون ثبت تحدید حدود قسمتی از املاک واقع در بخش ۱۱ حوزه ثبتی این واحد به شرح ذیل: .

بخش ۱۱ قاینات

قطعه مفروزه مزرعه ابوالخیری پلاک ۱۲۷۰-اصلی:

۴۸۰ فرعی مجید غفاری و غیره ششدانگ یک قطعه زمین در روز ۱۴۰۰.۰۹.۲۴ انجام خواهد شد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت به صاحبان املاک و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار میگردد؛ که در موعد مشخص شده فوق ساعت ۸ الی ۱۰ صبح در محل وقوع ملک حضور به هم رسانند، چنانچه هر یک از صاحبـان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقررحاضر نباشـند؛ مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شـده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد.و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود وحقوق ارتفاقی و نیز صاحبان امـلاک کـه در موقع مقرر حاضر نبوده اند؛ مطابق مـاده ۲۰ قانون ثبت فقط تا ۳۰ روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد.و برابر ماده ۸۶ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت ، معترضین می بایست؛ از تاریخ تسلیم اعتراض خود به اداره ثبت اسناد و املاک قاینات ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور أخذ و به این اداره تسلیم نمایند، در غیر این صورت متقاضی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم و اداره ثبت هم بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را طبق مقررات ادامه میدهد. آ۱۴۰۷۷۳۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۲۴

علی صفائی فر-رئیس اداره ثبت اسناد واملاک قاینات

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۰۶۰۳۱۹۰۰۵۰۰۰۴۰۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمان های فاقد سـند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهداد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس کدخدا حسن آبادی فرزند کاظم بشماره شناسنامه ۱۲ صادره از شهداد در ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۲۵ متر مربع پلاک ۱ فرعی از ۳۸۲ -اصلی واقع در بخش ۲۳ کرمان به نشانی شهداد - بلوار کشـاورز کوچه شـهید ضرابی خریداری از مالک رسمی آقای حسن سلطانزاده خبیصی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۰۱۶ م/الف آ۱۴۰۷۲۱۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۰/۸/۱۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۰/۸/۲۴

ابراهیم سیدی -رییس ثبت اسناد و املاک

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه خانم مریم یعقوبی کافچی دارای شناسنامه شماره ۲۲۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۰۰۰۱۵۷ از این شورا در خواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان غلامحیدر صفری به شناسنامه ۸ در تاریخ ۱۴۰۰.۳.۱۸ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱.حجـت صفری متولد ۶۹.۱۲.۱۰ به ش ملی ۰۷۴۰۰۹۵۷۲۲ فرزند ذکور متوفی ۲.جواد صفری متولد ۵۲.۱.۱۰ به ش ملی ۰۷۴۸۹۹۹۷۵۲ فرزند ذکور متوفی ۳.قاسـم صفری متولـد ۵۱.۱.۴ به ش ملی ۰۷۴۹۶۹۶۸۷۷ فرزند ذکور متوفی ۴.محمود صفری متولد ۵۴.۶.۷ به ش ملی ۰۷۴۹۷۰۰۰۶۸ فرزند ذکور متوفی ۵. عباس صفری متولد ۵۷.۶.۱ به ش ملی ۰۷۴۹۷۰۳۴۲۳ فرزند ذکور متوفی ۶.مهدی صفری متولد ۵۸.۶.۳۰ به ش ملی ۰۷۴۸۴۳۲۹۱۴ فرزند متوفی ۷.محسن صفری متولد ۶۷.۶.۲ به ش ملی ۰۷۴۹۹۲۰۱۴۹ فرزند ذکور متوفی ۸.فاطمه صفری متولد ۶۲.۱۰.۹ بـه ش ملـی ۰۷۴۹۷۳۵۳۳۵ فرزنـد اناث متوفی ۹.مریم یعقوبی کافچی متولـد ۱۳۲۷.۳.۱ به ش ملی ۰۷۴۹۱۹۴۶۷۷ همسر متوفی می باشد.

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد اوباشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الاگواهی صادر خواهد شد.۱۴۰۷۶۷۹

دبیر شورا- شعبه دو شورای حل اختلاف شهرستان باخرز - خدادادی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابـر رأی شـماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۸۰۰۱۰۰۳۷۲۹ مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۶ هیـات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بیرجند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم آسیه نخعی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۸۴ در ششدانگ یکباب منزل مسکونی به مساحت ۱۴۵.۳۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳۹۶-اصلی واقع در خرسان جنوبی بخش دو حوزه ثبت ملک بیرجند از محل مالکیت خانم کلثوم دستیگردی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشـار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. آ-۱۴۰۷۷۲۸

تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم : چهارشنبه ۱۰ /۱۴۰۰/۰۹

حسین براتیرئیس اداره ثبت اسناد و املاک بیرجند

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابـر رای شـماره ۱۴۰۰۶۰۳۲۶۰۰۹۰۰۰۶۱۶ مورخه ۱۴۰۰/۸/۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبتی حوزه ثبت ملک فامنین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای داود سهرابی فرزند محمد حسین بشماره شناسنامه ۴۰ صادره از فامنین دریک باب خانه به مساحت ۲۱۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۰۴ اصلی واقع در بخش پنج همدان اراضی فامنین خریداری از مالک رسمی تعاونی مسکن فرهنگیان محرزگردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود درصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسـلیم و پس از اخذ رسـید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سنت مالکیت صادر خواهد شد. (م الف ۲۱۴) آ-۱۴۰۷۲۹

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۰/۸/۲۴

تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۹/۸

رضا بیات - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان فامنین

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه خانم نرگس صید محمدخانی دارای شناسنامه شماره ۰۷۰۰۶۰۵۶۷۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۰۰۰۳۵۳/۳ح از این شـورا درخواسـت گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان احمد صید محمدخانی به شناسـنامه فاقد شناسنامه در تاریخ ۱۴۰۰/۴/۱۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-شمس‌الدین صید محمدخانی فرزند محمدحسن فاقد مشخصات شناسنامه‌ای پدر متوفی

۲-نرگس صید محمدخانی فرزند نصیر ش ش ۰۷۰۰۶۰۵۷۶۲ متولد ۱۳۴۱/۱/۲۷ صادره از زاوه مادر متوفی

۳-محسن علم‌زاده سنگر کدملی ۰۷۴۰۱۲۲۵۵۱ فرزند محمود همسر متوفی

۴-راحیل علم‌زاده سنگر فرزند محسن کدملی ۰۹۸۲۴۷۶۲۴۴ متولد ۱۳۹۹/۴/۱۶ صادره از مشهد فرزند متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. آ-۱۴۰۷۷۴۳

قاضی شورا- شعبه سه شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- محمد باری

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای قاسم صادقی دارای شناسنامه شماره ۸۰۴۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۰۰۰۳۴۱/۳ح از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان برات صادقی به شناسنامه ۱۱ در تاریخ ۱۴۰۰/۳/۶ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-قاسم صادقی فرزند برات ش ش ۸۰۴۷ متولد ۱۳۵۷/۱۰/۱۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۲-مرضیه صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۶۰۰۹۸۱۲۸ متولد ۱۳۶۹/۱۲/۲۳ صادره از تایباد فرزند متوفی

۳-سمیه صادقی فرزند برات ش ش ۲۸۵۱ متولد ۱۳۶۵/۹/۱۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۴-سعیده صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۰۰۵۷۵۷۱ متولد ۱۳۶۹/۰۳/۲۳ صادره از تایباد فرزند متوفی

۵-فریبا صادقی فرزند برات ش ش ۵۷۶ متولد ۱۳۶۳/۶/۳۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۶-زیبا صادقی فرزند برات ش ش ۳۵۰ متولد ۱۳۵۴/۹/۱۳ صادره از تایباد فرزند متوفی

۷-اسما صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۰۳۶۰۳۹۶ متولد ۱۳۷۶/۳/۱۱ صادره از تایباد فرزند متوفی

۸-سمیرا صادقی فرزند برات ش ش ۵۷۷ متولد ۱۳۶۴/۵/۲۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۹-زهرا صادقی فرزند برات ش ش ۱۹۱ متولد ۱۳۶۱/۲/۱۶ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۰-شکیبا صادقی فرزند برات ش ش ۸۰۴۶ متولد ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۱-صغری صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۹۵۳۵۰۱۶ متولد ۱۳۵۰/۴/۹ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۲-صادق صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۰۳۲۶۷۵۹ متولد ۱۳۷۵/۱۲/۱۳ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۳-محمدعلی صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۰۲۲۹۶۴ متولد ۱۳۷۳/۴/۳ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۴-سجاد صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۰۱۸۷۶۶۱ متولد ۱۳۷۲/۴/۲۶ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۵-یاسر صادقی فرزند برات ش ش ۲۸۵۰ متولد ۱۳۶۵/۸/۸ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۶-بهمن صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۰۰۰۲۲۳۶ متولد ۱۳۶۷/۱۱/۱۱ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۷-محسن صادقی فرزند برات ش ش ۴ متولد ۱۳۵۴/۶/۳ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۸-غلامحسین صادقی فرزند برات ش ش ۵۲۱۶ متولد ۱۳۶۷/۷/۱۱ صادره از تایباد فرزند متوفی

۱۹-هاشم صادقی فرزند برات ش ش ۰۷۴۹۵۶۶۰۵۹ متولد ۱۳۶۲/۶/۲۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۲۰-فاطمه صادقی فرزند یارمحمد ش ش ۲۰ متولد ۱۳۲۵/۵/۱ صادره از تایباد همسر متوفی

۲۱-کبری پشت ماهی فرزند محمد ش ش ۹۵ متولد ۱۳۳۳/۳/۱۰ صادره از تایباد همسر متوفی

۲۲-کاظم صادقی فرزند برات ش ش ۲۱۳ متولد ۱۳۵۸/۹/۲۵ صادره از تایباد فرزند متوفی

۲۳-فاطمه سالار فرزند محمدعلی ش ش ۳۴۱ متولد ۱۳۴۸/۱۲/۷ صادره از مشهد همسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.آ-۱۴۰۷۷۴۵

قاضی شورا- شعبه سه شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- محمد باری

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای ناصر سعیدی دارای شناسنامه شماره ۶۴ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۰۰۰۳۷۵/۳ح از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نصیر سعیدی به شناسنامه ۴۵۹۶ در تاریخ ۱۴۰۰/۷/۲۰ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-صدیقه منصورنیا فرزند نظرمحمد ش ش ۲۷۱۷ متولد ۱۳۱۵/۱۱/۲۲ صادره از تایباد مادر متوفی

۲-پروین کلیدر احمدی فرزند مغفور ش ش ۶۸۳۴ متولد ۱۳۴۵/۱۰/۱ صادره از تربت‌جام همسر متوفی

۳-ناصر سعیدی فرزند نورالدین ش ش ۶۴ متولد ۱۳۳۳/۹/۱۰ صادره از تایباد برادر متوفی

۴-جلیل سعیدی فرزند نورالدین ش ش ۵۴۲۱ متولد ۱۳۴۹/۶/۱ صادره از تایباد برادر متوفی

۵-منصور سعیدی فرزند نورالدین ش ش ۴۱۵۴ متولد ۱۳۴۳/۳/۱۰ صادره از تایباد برادر متوفی

۶-بصیر سعیدی فرزند نورالدین ش ش ۴۷ متولد ۱۳۵۲/۴/۱ صادره از تایباد برادر متوفی

۷-خلیل سعیدی فرزند نورالدین ش ش ۶۸ متولد ۱۳۴۷/۱/۱۰ صادره از تایباد برادر متوفی

۸-زهرا سعیدی فرزند نورالدین ش ش ۷۴ متولد ۱۳۳۸/۸/۳ صادره از تایباد خواهر متوفی

۹-سیما سعیدی فرزند نورالدین ش ش ۶۹۴۳ متولد ۱۳۵۵/۱/۱ صادره از تایباد خواهر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.۱۴۰۷۷۴۸

قاضی شورا- شعبه سه شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- محمد باری

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظـر بـه اینکه آقای رحمت امیری دارای شناسـنامه شـماره ۰۷۴۹۸۷۰۳۶۲ به شـرح دادخواسـت به کلاسـه ۰۰۰۰۳۴۳/۳ح از این شـورا درخواسـت گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان احمد امیری سردابی به شناسنامه ۱۸۴ در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۰ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-اله بخش امیری فرزند احمدخان ش ش ۳۲ متولد ۱۳۱۴/۱/۵ صادره از تایباد فرزند متوفی فوت شده ۱۳۹۴/۵/۴

۲-صاحبجان امیری سردابی فرزند احمدخان ش ش ۱۸۷ متولد ۱۳۰۴ صادره از تایباد فرزند متوفی فوت شده تاریخ فوت نامعلوم و ثبت ۱۳۷۶/۴/۱۲ تاریخ ثبت فوت

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.۱۴۰۷۷۵۰

قاضی شورا- شعبه سه شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- محمد باری

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای فریدون شـاکری دارای شناسنامه شـماره ۵۹۲۴ به شرح دادخواست به کلاسـه ۰۰۰۰۲۵۰/۳ح از این شـورا درخواسـت گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شـادروان صاحبجان شکوری کلاتهئی به شناسـنامه ۴۲۴ در تاریخ ۱۳۹۳/۵/۲ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-فریدون شاکری فرزند علی‌اکبر ش ش ۵۹۲۴ متولد ۱۳۵۳/۵/۵ صادره از تایباد فرزند متوفی

۲-پرویز شاکری فرزند علی‌اکبر ش ش ۶۹۹ متولد ۱۳۶۰/۶/۲۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۳-منوچهر شاکری فرزند علی‌اکبر ش ش ۲۶۷ متولد ۱۳۵۶/۱۱/۶ صادره از تایباد فرزند متوفی

۴-فرامرز شاکری فرزند علی‌اکبر ش ش ۰۷۴۹۳۷۸۱۵۸ متولد ۱۳۵۹/۵/۱۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۵-پروین شاکری فرزند علی‌اکبر ش ش ۴۹ متولد ۱۳۵۴/۵/۲۰ صادره از تایباد فرزند متوفی

۶-زرین شاکری فرزند علی‌اکبر ش ش ۴۸ متولد ۱۳۵۴/۵/۲۰ صادره تایباد فرزند متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.۱۴۰۷۷۳۰

قاضی شورا- شعبه سوم شورای حل اختلاف شهرستان تایباد- محمد باری

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه خانم سـاعده معرفتی پشتهئی دارای شناسنامه شماره ۰۷۴۰۱۲۶۰۷۵ به شرح دادخواست به کلاسه ۰۰۰۰۳۷۴/۳ح از این شـورا درخواسـت گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان نوری پهلوان ماکوئی به شناسنامه ۰۷۴۸۴۷۱۱۴۶ در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۱ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱-غلامنبی ماکوئی فرزند سخی متولد ۱۳۶۲/۸/۱۰ صادره از تایباد فرزند متوفی ش ش ۱۹